

حکومت اسلامی، آرمان شهر فداییان اسلام

۲۷ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۹

فداییان اسلام، علاوه بر موضع‌گیری در باب حکومت وقت و اجرای احکام اسلام، در حیطة اندیشه نیز به طرح بحث درباره‌ی حکومت اسلامی می‌پرداختند. مطلب حاضر ضمن مرور فعالیت‌های آنان، به‌شکلی مختصر به بررسی حکومت اسلامی از منظر آنان می‌پردازد.

احزاب و گروه‌های سیاسی در دوره‌ی رضاشاه با سرکوب شدید مواجه شدند، اما بعد از سقوط دیکتاتوری وی و فضای باز سیاسی که در نتیجه‌ی انتقال قدرت به شاه جدید و بی‌تجربگی وی به وجود آمد، احزاب و جریانات مختلف مجال ظهور و ادامه‌ی فعالیت پیدا کردند و توانستند به تبلیغ و گسترش افکار و اندیشه‌های خود بپردازند.

جمعیت فداییان اسلام یکی از همین گروه‌هایی بود که زمینه‌ی شکل‌گیری آن در چنین فضایی ممکن شد و توانست با اصل گسترش شعائر اسلامی و دینی به منصفی ظهور برسد. این گروه نیز مانند بسیاری از احزاب و گروه‌های سازمان‌یافته، با تأسی به روش‌های فکری-فرهنگی و فلسفی خود در رابطه با شکل و نوع حکومت، عقاید خاص خود را داشتند و دست به اقداماتی نیز زدند. بر این اساس، در این نوشته به عملکرد و اندیشه‌های این گروه و اقدامات آنان در طول حیات سیاسی‌شان پرداخته می‌شود. شکل‌گیری جمعیت فداییان اسلام فداییان اسلام نام گروهی است که در سال ۱۳۲۴ با رهبری نواب صفوی اعلام موجودیت کرد و «شهادت، انتقام و قصاص را راه نهضت، و برادری، استقامت و اتحاد را به‌عنوان خطوط کلی، و هدف را رسیدن به حاکمیت اسلام و قرآن معرفی نمود.» [۱] بیشتر اعضای این گروه متشکل از جوانان مذهبی متعلق به طبقات متوسط و پایین جامعه بودند که دغدغه‌ی مسائل دینی را داشتند. مهم‌ترین عاملی که زمینه‌ی تشکیل این گروه را فراهم آورد، اقدامات احمد کسروی علیه دین اسلام بود. نقل است که کسروی در یکی از کتب خود به امام صادق (ع) توهین نموده بود: «از جمله کتاب‌های کسروی کتابی بود به نام شیعه‌گری که در آن کتاب نسبت به مذهب شیعه و به‌خصوص حضرت امام جعفر صادق (ع) توهین شده بود.» [۲] از این رو، نواب با مطالعه‌ی کتاب و نشان دادن آن به برخی از مراجع نجف اشرف، حکم ارتداد کسروی را از برخی علما کسب می‌کند. بنابراین گروه فداییان در راستای اعتقادات خود و در اولین اقدام، به ترور کسروی و منشی او مبادرت کردند. بعد از ترور کسروی، نواب صفوی و همراهانش در دادگاه نظامی تبرئه شدند، زیرا رهبران دینی به نفع آنان پادرمیانی کردند. در واقع «اعتراض علما به تبرئه‌ی فداییان انجامید...» [۳] و نواب نیز در میان افکار عمومی جا باز کرده بود. نواب پس از قتل کسروی، به گسترش و تبلیغ اهداف و برنامه‌های جمعیت فداییان اسلام پرداخت و از این طریق توانست هوادارانی را جذب نماید که برخی از آنان به عضویت فداییان اسلام نیز درآمدند. علاوه بر ترور کسروی، گروه با رویکردهای متفاوت به موضع‌گیری در برابر دولت‌های

وقت نیز می‌پرداخت. گاهی این رویکرد شکل مسلحانه به خود می‌گرفت، گاهی نیز شکلی سیاسی یا فرهنگی پیدا می‌نمود. رویکرد سیاسی-فرهنگی فداییان اسلام یکی از اقدامات مهم فداییان خلق، مخالفت با حکومت‌های وقت با رویکردهای متفاوت نظیر رویکرد سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی بود. البته گاهی نیز از رویکرد مسلحانه کمک می‌گرفت. در این بُعد می‌توان به ترور شخصیت‌هایی چون هژیر، رزم‌آرا و... اشاره کرد. فداییان بر این باور بود که هژیر با طرفداری از شاه و انگلیس درصدد تصویب قرارداد گس-گلشاییان در مجلس شانزدهم است. به همین دلیل، گروه مصمم به قتل وی شد و سید حسین امامی در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ مبادرت به این عمل نمود. علت مخالفت فداییان اسلام با مصدق در وهله‌ی اول از بُعد اسلامی بود. از نظر آنان مصدق با وابستگی به بیگانگان، به‌خصوص آمریکا، از اجرای احکام اسلامی غافل مانده است. از طرفی فداییان اسلام از «مصدق به‌خاطر در اختیار قرار دادن چهار پست وزارت، از جمله وزارت جنگ به افراد دربار» ناراضی بودند. از دیگر شخصیت‌هایی که فداییان به مخالفت با او و سرانجام قتل وی پرداخت، حاجی علی رزم‌آرا است. فداییان معتقد بود رزم‌آرا با پشتیبانی از آمریکا و انگلستان، یکی از موانع اصلی ملی شدن صنعت نفت است. به همین دلیل، با طرح نقشه‌ی ترور وی، توسط یکی از اعضای گروه به نام خلیل طهماسبی، به‌زعم خود گامی در جهت رفع موانع ملی شدن نفت برداشتند. گروه فداییان علی‌رغم آنکه طرفدار سرسخت ملی شدن صنعت نفت بودند، ولی با این حال، با آغاز نخست‌وزیری دکتر مصدق اختلافاتی با او پیدا کردند. علت مخالفت گروه با مصدق در وهله‌ی اول از بُعد دینی و اسلامی بود. بدین معنا که گروه اعتقاد داشت دکتر مصدق با وابستگی به بیگانگان، به‌خصوص آمریکا، از اسلام و اجرای احکام اسلامی غافل مانده است. از طرفی فداییان اسلام از «مصدق به‌خاطر در اختیار قرار دادن چهار پست وزارت، از جمله وزارت جنگ به افراد دربار»^[۴] ناراضی بودند. همین موضوع باعث گردید تا گروه به ترور وزیر امور خارجه، **حسین فاطمی** نیز اقدام کنند، اما این ترور نافرجام ماند. اختلافات طرفین به آنجا کشید که مصدق اقدام به دستگیری نواب صفوی نمود و سپس در ۱۳ خرداد ۱۳۳۰ او را روانه‌ی زندان کرد. به‌خصوص اینکه از نگاه آنان مصدق و یاران او به قول‌های خود وفادار نمانده بودند. فداییان به‌شدت مخالف وجود مظاهر غیراسلامی در جامعه‌ی اسلامی بودند. منع الکل، سیگار، مواد مخدر، قماربازی، ممنوعیت لباس‌های خارجی، حذف رشته‌های غیراسلامی و وضع حجاب برای زنان، برخی از خواسته‌های آنان در راستای اجرا و تأکید بر اسلام به‌عنوان دینی که برای زندگی مسلمانان برنامه داشت بود.^[۵] فداییان اسلام علاوه بر موضع‌گیری در باب حکومت و یا برخی از شخصیت‌های سیاسی، در حیطه‌ی اندیشه نیز به طرح بحث درباره‌ی حکومت اسلامی می‌پرداختند. حکومت اسلامی در اندیشه‌ی فداییان اسلام فداییان اسلام جزء اولین کسانی بودند که مفهوم حکومت اسلامی را به‌عنوان اندیشه‌ی اصلی خود بیان نمودند و آن را در کتاب «اعلامیه‌ی فداییان اسلام یا کتاب راهنمای حقایق» تشریح نمودند. این کتاب که توسط نواب صفوی به‌عنوان اساسنامه و مانیفست فداییان اسلام نیز قرار گرفت، دارای سه بخش کلی است. بخش اول کتاب به مسائل و معضلات اجتماعی از قبیل فساد، فقر و... در ایران و جهان پرداخته و حتی یکی از «راه‌های اصلاح مفاسد اجتماعی را اصلاح روحانیت و اصلاح وزارتخانه‌ها و دربار» عنوان نموده است.^[۶] در بخش دوم، شرایط حکومت و شئون جامعه بررسی شده است و در بخش سوم نیز به حمایت از مشروطه مشروعه‌ی شیخ فضل‌الله نوری پرداخته و تعدادی اعلامیه نیز آمده است. فداییان در بحث خود از حکومت، که در واقع یکی از بخش‌های فکری مهم این گروه است، به تشریح شرایط حکومت ایده‌آل خود پرداخته‌اند. حکومت ایده‌آل فداییان، حکومت اسلامی و الهام‌گرفته از شعائر دینی است که قوانین آن را احکام اسلامی تشکیل می‌دهد. در این حکومت، روابط افراد مبتنی بر «آزادی انسان، برابری کامل، رفاه جمعی، عدالت و تکیه بر ارزش‌های الهی و اسلامی»^[۷] است. به همین جهت، گروه تمام تلاش خود را معطوف به ایجاد حکومت اسلامی کرده بود و هرکجا منافع اسلام

و ایران را در خطر می‌دید، با رویکردهای متفاوت ولو مسلحانه، موضع‌گیری می‌کرد و به دفاع از مواضع خود می‌پرداخت. البته نواب گرچه به نقد رژیم شاه و نهاد سلطنت می‌پردازد، ولی با اصل سلطنت مخالفت رسمی نمی‌کند و این موضوع یکی از موارد تفاوت اندیشه‌های وی و اندیشه‌های امام (ره) در رابطه با حکومت است. البته نواب با موجودیت رژیم شاه کاملاً مخالف بود و در استدلال خود در این رابطه، بر این باور بود که «در ایران اسلامی، قانون اساسی بر اساس تعالیم اسلام تدوین شده است. حال که شاه به قانون و اسلام عمل نمی‌کند، نه قانونی و نه اسلامی است.» [۸] فداییان با فعالیت‌ها و اندیشه‌های سیاسی خود، تأثیر مهمی در اجرای احکام اسلامی گذاشتند و به یک روایت، «فلسفه‌ی حقوقی رژیم انقلابی جمهوری اسلامی ایران را تا حد زیادی می‌توان به حساب برداشت فداییان از عدالت اسلامی گذشت.» فداییان با آنکه جزء اولین گروه‌هایی بودند که مسئله‌ی حکومت اسلامی را مطرح کردند و این موضوع مورد تحسین حضرت امام (ره) نیز قرار گرفت، اما در عمل نتوانستند این ایده را به مثابه‌ی یک نظریه‌ی حکومتی مطرح کنند و این بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود که با ارائه‌ی طرح حکومت اسلامی در سال ۱۳۴۸، موفق به تشکیل چنین حکومتی بعد از انقلاب گردید. در واقع «ویژگی اندیشه‌ی امام خمینی در این است که او سال‌ها قبل از انتشار کتاب راهنمای حقایق، مکانیسم‌های عملی و اجرایی برای تحول محتوا و ماهیت جامعه و حکومت ارائه داده بود که این البته از اندیشه‌ی فداییان اسلام بر نمی‌خیزد.» [۹] سخن آخر بنا بر این در ارزیابی کلی و نهایی پیرامون این موضوع، باید گفت فداییان اسلام گروهی متشکل از جوانان مذهبی به رهبری نواب صفوی بود که آرمان اشاعه و اجرای احکام اسلامی را در سر می‌پروراند. این گروه با رویکردهای متفاوت اعم از مسلحانه، به مقابله با برخی از دولت‌های وقت می‌پرداختند و نقش پایه‌ای در مبارزات سیاسی ایفا نمودند. فداییان با برجسته نمودن ایده‌ی حکومت اسلامی، گام مهمی در تقویت اسلام سیاسی برداشتند. اما در عمل، به دلیل فراهم نبودن فضای جامعه، عمر کم این گروه و عدم حضور یک نظریه‌پرداز برجسته در میان آنان، موفق به ارائه‌ی این ایده در قامت یک نظریه نشدند. سرانجام حضرت امام با ارائه‌ی چارچوب‌های عملی، مکانیسم‌های اجرایی حکومت اسلامی را در نجف مهیا نمود و به همین دلیل نیز بعد از انقلاب موفق به تشکیل حکومت اسلامی گردید. با این حال، فداییان با فعالیت‌ها و اندیشه‌های سیاسی خود، تأثیر مهمی در اجرای احکام اسلامی گذاشتند و به یک روایت، «فلسفه‌ی حقوقی رژیم انقلابی جمهوری اسلامی ایران را تا حد زیادی می‌توان به حساب برداشت فداییان از عدالت اسلامی گذشت.» [۱۰] (*) پی‌نوشت‌ها: [۱]. رزاق پور، صادق (۱۳۸۱)، «فداییان اسلام/ معرفی عناصر اصلی، اندیشه‌های سیاسی و عملکردها»، رواق اندیشه، شماره‌ی ۱۳، ص ۹۹. [۲]. نیم‌قرن خاطره و تجربه، خاطرات مهندس عزت‌الله سحابی، جلد اول، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶. [۳]. نجس خاتون براهویی در مجتبی مقصدی (۱۳۸۰)، تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران، نشر روزنه، ص ۲۴۸. [۴]. آبراهامیان، همان، ص ۳۳۰. [۵]. نجس خاتون براهویی در مجتبی مقصدی، همان، ص ۲۴۹. [۶]. حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۴)، نقش فداییان اسلام در تاریخ معاصر ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۱ و ۱۰۲. [۷]. محتشمی‌پور، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، «اندیشه‌ی سیاسی فداییان اسلام»، تاریخ پژوهی، شماره‌ی ۱۸، ص ۱۱۴. [۸]. سید مجتبی نواب صفوی، راهنمای حقایق، چاپ چهارم، ص ۱۶۶ و ر.ک: فریدالدین حداد عادل (۱۳۸۳)، نواب نوشت.../نقد و بررسی کتاب «راهنمای حقایق» به‌عنوان مانیفست گروه فداییان اسلام، زمانه، شماره‌ی ۲۴. [۹]. ملایی توانی، علی‌رضا، «(۱۳۷۹-۱۳۷۸) آسیب‌شناسی یک جنبش تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام»، پژوهشنامه‌ی متین، شماره‌ی ۵ و ۶، ص ۲۹۴. [۱۰]. عنایت، حمید (۱۳۶۵)، اندیشه‌ی سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات خوارزمی، ص ۱۷۱. منبع‌برهان

